

ای خاک بقیع آرام چون ساعی هجران شد
این فاطمه زهرا در پیش تو مهران شد

ای خاک بقیع اکنون با فاطمه آهسته
صحبت بنما مشب چون آمده دلخسته
تالان دهمی نمکنی دیده ز جهان بسته
و از جور جفا جوینان دل مضطر حیران شد

وارد جوشده بر تو این فاطمیه نمناک
مهران نواری کن مشب ز وفا ای خاک
بر او نرسد آزار قلبی که شده صد خاک
و از کنیم این امت در سورت **لاله** شد

صورت چونند بر تو آسیب نبیند او
چون نیکی ای خاک از سیلی آن بد خو
آمد بر رخ زهرا جورستم از هر سو
زین جورستم بلشی در **عظمه** و کی یان شد

ای خاک حکویم من زهرا چه جفا ها دید
از کنیم آن دشمنی بازویشی سیه گر دید
صد داد شما تنها از بعدید در بشید
در غصه و در کورس این عالم امکان شد

ای خاک مبادا **زهره** صد یقه غم پرور
از نوستی ببید رفت ادراک غم دیگر
سپیدی دهمی زین دانی که رنند بر سر
رفت تو و این زهره و بی شام غم بیان شد

من میروم بشو شور غم **زهره** نشی
زهرا پر تو ماند می پیشی یتیم نشی
میورم میازم در ماتم اهرانشی
دانم که فراتی زین غصه دل بریان شد